



۱) یک صد و ده) قاعده فقهی ، حقوقی

-قاعده ائتمان

«لیس علی الامین الایمین» یا «الامین لا یضمن :» متن

یعنی :امین ضامن نیست . یا بر امین چیزی جز سوگند لازم نیست.

(القواعد الفقهیه ، ج 2 ، صص 4 تا ۱ - ماده 1 و 4 و 1 و 6 قانون مدنی)

2-قاعده اتلاف

«من اتلف مال الغير فیهوله ضامن :» متن

یعنی : هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن آن خواهد بود.

(القواعد الفقهیه ، ج 2 ، صص ۱ تا 1 - ماده 63 و 262 قانون مدنی

6-احترام مال مسلمان

حد یث نبوی () حرمة مال المومن كحرمة دمه :» متن

یعنی : مال مومن همانند خون وی محترم است(. اصل 41 و 41 قانون اساسی)

4-قاعده احسان

(ما علی المحسنین من سبی .) سورة توبه 3 / ۱ :» متن

یعنی بر نیکوکاران ایرادی نیست.

(دکتر ابوالحسن محمدی ، قواعد فقه ، ص 4 و ۱ - ماده 601 قانون مدنی - ماده 55 مجازات

اسلامی)

5-قاعده ارشاد

«اعلام الجاهل علی العالم واجب :» متن

یعنی : اقدام انسان در جهت ضرر خود ، مسقط ضمان است.

۱2۱ 5قانون مدنی (-) دکتر محمدی، قواعد فقه ، ص 265

1-قاعده اقرار عقلا

«اقرار العقلا علی انفسهم جائز :» متن

یعنی : اقرار انسان عاقل به ضرر خود نافذ است.

((تحریرالجمله ، ج ۱، ص 33 ، ش - 14 ماده ۱ 215قانون مدنی - ماده 202 آیین دادرسی

مدنی مصوب 613۱

دفتر امور حقوقی دانشگاه

«الاقرب يمنع الا بعد2-»

«الزموهم بما الزمو انفسهم : » متن

یعنی : به هر آنچه که غیر خودتان (پیروان مذاهب اسلامی ملتزم هستند ، شما نیز آنان را ملزم کنید.

(توضیح المسائل، بحث قاعده الزام ، آیه الله خوبی)

«البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر- » 0۱

یعنی : آوردن شاهد بر عهده مدعی و سوگند خوردن بر عهده خواننده است.

(القواعد و الفوائد ، ج ۱، قاعده ۱ 54، ص 4 ۱ - 1 ماده ۱ 251 و ۱ 625 قانون مدنی - ماده ۱ 31 و 212 قانون آیین دادرسی مدنی)

«تصدیق الایمن فیما ائتمن علیه- » ۱۱

یعنی : صاحب مال باید قول امینی را که مال را نزد او امانت گذارده بپذیرد.
۱ - 2 تعیین

اگر امر دایر بین تعیین و تخییر در انجام وظیفه ای شد، اصل بر حقیقت است.

۱ - 6 التلف زمن الخيار من مال من لا خيار له.

یعنی : تلف شدن مال در زمان خيار ، از کیسه آن که حق خيار ندارد محسوب می شود.

(القواعد الفقهیه ، ج 2 صص 12 تا - 24 ماده 621 قانون مدنی)

۱ - 5 قاعده حل

«متن : کل شیء کان مشتبها بین الحلال و الحرام بحمل علی الحلال

یعنی : اگر چیزی مشکوک بین حلال و حرام بود آن را جزء حلال ها محسوب می کنیم.

۱ - 1 الدین مقدم علی الارث.

یعنی ادای دین ، مقدم بر ارث بردن است (. ماده 212 قانون مدنی .)

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، ص - 240 ماده 140 قانون مدنی)

۱ 1 الزعیم غارم (. حدیث نبوی)

یعنی : کفیل باید از عهده مورد کفالت بر آید (. القواعد الفقهیه ، ج ۱ ص - 240 ماده 140 قانون مدنی)

۱ 2 قاعده تسلیط

حدیث نبوی . () الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم : » متن

یعنی : مردم بر جان و مال خویش ، سلطه و اختیار دارند (. ترمینو لوژی حقوقی ، ص 252 ، ش - 2026 اصل 41 و 41

دفتر امور حقوقی دانشگاه

-قانون اساسی (3۱

قاعده سوق

یعنی : آنچه در بازار و جامعه مسلمانان عرضه می شود پاک و حلال است مگر خلافتی ثابت شود

20- اصل صحت

«حمل فعل المسلم على الصحة : » متن

(یعنی : اعمال شخص مسلمان ،محمول بر صحت و درستی می باشد .) القواعد الفقهیه ، ج ۱، ص 263

۱2 - عدل و انصاف

یعنی : اگر در تعلق مالی به یکی از دو نفر مردد باشیم بین آن دو بالمنصفاته تقسیم می شود.

22-عدم سماع الا انكار بعد الا قرار.

(ماده ۱ 211قانون مدنی)

26-قاعده تبعیت عقد از قصد

«العقود تابعه للقصود : » متن

یعنی : عقدها تابع قصدهای متعاقبین است.

(القواعد الفقهیه ، ج 4 ، ص 2 - 1 ماده 131 و 1 34قانون مدنی)

24-قاعده علی الید

«على اليد ما اخذت حتى تؤديه : » متن

یعنی : بر صاحب ید است تا آنچه را که گرفته به ذی حقش تحویل دهد.

(القواعد الفقهیه ، ج 4 ، ص 2 - 1 ماده 602 قانون مدنی)

- 25قاعده غرور

«المغرور يرجع على من غره : » متن

یعنی : فریب خورده به کسی که فریبش داده مراجعه می کند (تا خسارت بگیرد)

((القواعد الفقهیه ، ج ۱، ص 225

21-قاعده فراش

حدیث نبوی . () الولد للفراش و للعاهر الحجر : » متن

یعنی : فرزند به صاحب فراش ملحق است وزانی باید سنگسار شود.

(القواعد الفقهیه ، ج 4 ص - 25 التهذيب ، ج 2 ص 1 - 12ماده 11 52قانون مدنی)

دفتر امور حقوقی دانشگاه

- 21قاعده قرعه متن

«لكل امر مشكل قرعه: »

یعنی : در هر امر غیر قابل حل باید به قرعه متوسل شود.

((ناصر مکارم شیرازی ، القواعد فقهیه ، ج 2 ، ص 551

- 22کل رهن فانه غیر مضمون.

یعنی : در عقد رهن نباید شرط ضمان قرارداد.

(ماده 123 قانون مدنی)

23-قاعده لا یضمن

«کل عقد لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده : » متن

یعنی : هر عقدی که صحیحش ضمان آور نباشد فاسدش هم ضمان آور نیست.

60-کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده.

یعنی : هر عقدی که صحیحش ضمان آور باشد فاسدش هم ضمان آور است.

((سبکی ، الا شباه و الانضائر ، ج 2 ، ص 45

6-۱ کلما کان له منفعه محله مقصوده تصح اجاره.

یعنی : هر چیزی که دارای منافع حلال مورد نظر باشد اجاره دادنش درست است.

(ماده 411 و 411 قانون مدنی)

62-قاعده لا ضرر

«لا ضرر و لا ضرار فی الا سلام : » متن

یعنی : حکم ضرری در اسلام وضع نشده است.

- 12 اصل 40 و بند 5 اصل 46 قانون اساسی) ، 1 ، 2 ، (القواعد الفقهیه ، ج 1 ، ص 3

66-لا ضمان علی المستعیر.

یعنی : عاریه گیرنده ضامن نیست (. القواعد الفقهیه ، ج 1 ص 5- ماده 140 قانون مدنی)

64-الممنوع شرعا کال ممتنع عقلا.

(یعنی : چیزی که شرعاً ممنوع است گویا عقلاً هم ممکن نیست (. تحریر الجمله ، ص 46

دفتر امور حقوقی دانشگاه

65-لا مسا محه فی التحدیدات.

یعنی چیزهایی که شرعاً اندازه خاصی دارند (آب کر ، مقدار سفر ، بلوغ و) ... قابل مسامحه از

جهت کم و زیاد شدن

نیستند.

61-لا میراث للقتل.

یعنی : قاتل از ارث مورث ، محروم است (. ماده 220 قانون مدنی)

61-اصل لزوم

«الاصل فی العقود لزوم : » متن

یعنی : اصل در عقود لزوم آنها است (مگر خلافتش ثابت شود () القواعد الفقهیه ، ج 4 ، ص

۱ - 16 ماده 2 ۱ 3 قانون مدنی

)

62-من احیی ارضا فهی له.

یعنی : هر کسی که زمینی را احیا کند از آن اوست.

(41 ، 46 قانون مدنی) ، (مواد 40 ۱

63-من استخرج ماء فهی له.

یعنی : هر کسی آبی را استخراج کند از آن اوست (. ماده ۱ 50 قانون اساسی)

40-من حاز ملک

یعنی : هر کس که حيازت ملكى را نمايد مالک آن خواهد شد (. ماده ۱ 42 و ۱ 46 قانون مدنى)
4-۱ قاعده من ملک.

«من ملک شيئاً ملک الا قراره : » متن

یعنی : هر که مالک چیزی شد مى تواند به آن نیز اقرار نمايد.

((القواعد الفقهيہ ، ج ۱ ص 12

42-من له الغنم فعليه العزم.

(یعنی : آن که منافع را مى برد ، زیان را هم بايد تحمل کند (. التحریر الجملة ، ص 51

46-نفى سبيل

(یعنی : خداوند هرگز کافران را بر مومنان تسلطى نداده است (نساء / ۱4۱

«و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا : » متن

۱ 56، بند 5 اصل 6 و بند 2 اصل 46 قانون اساسى) ، 22، (القواعد الفقهيہ ، ج ۱ ، ص ۱ - 51
اصول 2 ۱

دفتر امور حقوقى دانشگاه

متن

44-قاعده نفى عسر و حرج

«و ما جعل عليكم فى الدين من حرج : »

(حج) 12 / ترجمه : و خداوند در دين کار سنگين و سختى بر شما قرار نداد.

یعنی : هيچ كمكى نبايد موجب عسر و حرج مكلف شود.

(دانشنامه حقوقى ، ج 6 ، ص ۱ 44 به بعد - ماده ۱۱ 60 قانون مدنى)

45-وجوب اعلام الجاهل فيما يعطى.

یعنی : اگر كسى چیزی را كه خطرناك است به ديگرى كه جاهل بر آن است بدهد ، بايد او را
از آن خطر آگاه كند و گرنه

ضامن است - 41 . و جوب التخليه بين المال و ملكه

یعنی : بايع بايد موانع تملك و سلطه مشترى بر مبيع را بر طرف كند.

(ماده 612 قانون مدنى)

41-وجوب دفع الضرر المحتمل

یعنی : دفع ضرر احتمالى واجب است (و نیز دفع افسد به فاسد جايز است)

42-الوقف حسب ما يو قفها اهلها.

یعنی : وقف ها بر اساس آنچه واقفين معين كرده اند عمل مى شود.

(مستدرک الوسائل ، ج 2 ، ص 5 ۱۱ - ماده 1 ۱ قانون مدنى)

43-يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب.

یعنی : هر آنچه كه بر اثر خویشاوندى نسبى حرام است ، تر اثر خویشاوندى رضاعى هم
حرام خواهد بود (وسائل الشعبة ،

ج ۱ 4، ص 220 ، -ماده ۱ 041 قانون مدنى)

50-الزرع للزارع و لو كان غاصبا.

یعنی : زراعت و کشت از آن زارع است ولو در زمین غصبی باشد (. ماده 66 قانون مدنی)
5-1 لا مهرلبغیه.

یعنی : زن زانیه ، مهریه ندارد (قیاس اولویت و مفهوم مخالف ماده 1 033 قانون مدنی)
52-الغاصب یؤخذ بأشقی الأحوال.

(یعنی : با غاصب به شدیدترین احکام رفتار می شود (. جواهر الکلام ، کتاب غصب ، ص 01)
دفتر امور حقوقی دانشگاه

56-لا ینسب للساکت قول.

یعنی به شخص سکوت کننده چیزی منسوب نمی شود (. سیوطی ، الاشباه والنظائر ، صص
1 42 و 1 - 46 ماده قانون مدنی

)
54-الحاکم ولی الممتنع.

یعنی دادرس بر شخص امتناع کننده از انجام تکالیف ، ولایت دارد (. ماده 261 و 266 قانون
مدنی)

55-الجاکم ولی من لا وای له.

یعنی : دادرس بر کسی که فاقد ولی ات ولایت دارد.

(ماده 212 قانون مدنی - ماده 211 قانون مجازات اسلامی)

51-الجاکم وارث من لا وارث له.

یعنی : حاکم وارث شخص بدون وارث است (. ماده 211 قانون مدنی)

51-الغائب علی حجه.

یعنی :شخص غائب در دادرسی حق اقامه دلیل دارد.

((القواعد الفقهیه ، ج 6 ، ص - 21 ماده 605 به بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب 6111

52-الیبعان بالخیار ما لم یفترقا.

(حدیث نبوی)

یعنی : متبایعین تا زمانی که از هم جدا نشده اند حق خیار دارند.

(مجله الا احکام العدلیه ، ماده 4- کاتو زیان، عقود معین ، ص - 41 ماده 631 قانون مدنی)

53-الکتاب کالخطاب.

461- (یعنی :نوشته مثل گفته است (. القواعد و الفوائد ، ج 1 ص 1 - 32 دانشنامه حقوق ، ج
4، ص422

10-الحرام لا یحرم الحلال.

یعنی : عمل حرام بعدی ، حلال قبلی را حرام نمی کند (تهذیب الا حکام ، ج 2 ، ص - 202
ماده 1 055 قانون مدنی)

1-1 الحق القدیم لا یبطله شی

یعنی :چیزی نمی تواند حق به وجود آمده قبلی را از بین ببرد (. ماده 31 قانون مدنی)

12-الحق للمتقدم.

دفتر امور حقوقی دانشگاه

یعنی : اگرکسی ابتدا اقدام به ایجاد حقی نماید نسبت به آن بر دیگران اولویت دارد (. ماده

قانون مدنی)

16-الخراج با لضمان.

(یعنی: منافع در مقابل ضامن بودن است.) شرح الجملة، ج ۱، ص 51 و 51

14-الساقط لا يعود كما ان المعدوم لا يعود.

یعنی: حق ساقط شده باز نمی گردد همچنان که چیز از بین رفته حیات نمی یابد.

230 و 23 (قانون مدنی)، (تحریر الجملة، ج ۱، صص 61 و - 62 بند 6 ماده 214 و مواد

223

15-الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً احل حراماً و حرم حلالاً.

یعنی: عقد صلح بین مسلمانان جایز است مگر صلحی که بخواهد حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید.

(القواعد الفقهیه، ج 5، صص 2 و 63 ماده 154 قانون مدنی)

11-الشرط جائز بین المسلمین الا شرطاً احل حراماً او حرم حلالاً.

جایز یعنی: شرط کردن بین مسلمانان است مگر شرطی که حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید.

(تحریر الجملة، صص 15 و - 11 ماده 262 قانون مدنی)

11-الشرط الفاسد لیس بمفسد.

یعنی: شرط فاسد عقد را باطل نمی کند.

۱۲ - 2 ماده 262 قانون مدنی، 2، 1، (القواعد الفقهیه، ج 4، صص 200

12-الطلاق بید من اخذ بالساق.

(حدیث نبوی) یعنی: طلاق به دست کسی است که عقد به دست اوست (مرد)

(حقوق خانواده، محقق داماد، صص 61 و ۱ - 61 ماده ۱۱ قانون مدنی)

13-اکل مال به باطل.

(متن: یا ایها الذین امنوا لا تا کلو اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم (... نساء 23 /

یعنی: اموال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر این که بر اساس تجارتی رضایت آمیز باشد.

10-المؤمنون عند شروطهم (حدیث نبوی)

(یعنی: مومنان به شرطهایشان پایبندند) (محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی 2، ص 61

1-1 نهی النبی عن الغرور (حدیث نبوی)

دفتر امور حقوقی دانشگاه

یعنی معامله غرری (زیان آوری که نتیجه آن نامعلوم است) باطل است.

(دکتر محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص 34

12- (اوفوا بالعقود) (متن: ۱ /

یعنی: به پیمانها و قراردادهای خود وفا کنید (ماده ۱ قانون مدنی)

قواعد کیفری

16-لا تقيه فی الدماء.

یعنی: جایی که پای جان در میان است تقیه جایز نیست.

((وسائل الشعبه ، ج ۱۱ ، ص - 426 مکاسب ، ج 4 ، ص 651

14- عمد الصبی بمنزله الخطا-

یعنی : فعل عمدی کودک همانند فعل خطایی محسوب می شود.

((القواعد و الفوائد ، ج ۱ ، ص 226

15- لا کفاله فی الحد (. حدیث نبوی)

یعنی : شفاعت کردن و درخواست به تأخیر انداختن ، در حدود جایز نیست.

((ترمینو لوژی حقوق ، ش 4502

11-قاعده جب.

متن : الاسلام یجب ما قبله (. حدیث نبوی)

یعنی : مسلمان شدن ، گناهان پیش از آن را پاک می کند.

- 41/صا ۱ 13قانون اساسی - ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی - ماده 4 قانون مدنی) ، (

القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، صص 61، 63،

11-اقامه الحدود الی من الیه الحکم.

یعنی : اجرای حدود و مجازات ها به دست حاکم است (. اصل 61 قانون اساسی)

12-الامتناع با لا اختیار لا ینا فی الاختیار.

یعنی : از روی اختیار و قدرت اگر باعث تحقق چیزی شویم ، موجب نمی شود که فاعل را

مسلوب

الاختیار تلقی کرد.

(دائرة المعارف حقوق ، ج 5 ، ص 50 ، - ماده 56 قانون مجازات اسلامی)

دفتر امور حقوقی دانشگاه

13-قاعده درا . متن

:الحدود تدرا بالشبهات.

یعنی : اجرای حدود با حصول شبهه متوقف می شود.

(الا شبهه و النظائر ، صص ۱ و 22 - 26 مواد 11 و 11 قانون مجازات اسلامی)

20-دم المسلم لا یذهب هدرا.

یعنی : خون مسلمان نباید پایمال شود (. مواد 6 و ۱ 6 و 6 قانون مجازات اسلامی)

2-۱ الضرورات تتقدر تقدرها.

یعنی : در موارد ضروری باید به حداقل اکتفا کرد (. ماده 55 قانون مجازات اسلامی)

22-الضرورات تبیح المحظورات (. حقوق رم) legemetnaccessitas non bab

یعنی : ضرورتها باعث شدن امور ممنوعه می شود.

(سوره مائده-6 / سبوطی ، الشباه و النظائر ، ص - 10 ماده 55 قانون مجازات اسلامی)

26-قاعده ارش.

متن: کل جنایه لا مقدر لها ففیها ارش.

یعنی: بر هر جنایتی که دیه ایش معین نشده ، ارش تعلق می گیرد.

(ماده 611 قانون مجازات اسلامی)

24-کل عضو تقتص منه مع وجوده توخذ الدیه مع فقهه.

یعنی : هر عضوی که موجود است باید قصاص شود و در صورت فقدان ، به جایش دیه گرفته می شود.

(ماده 236 قانون مجازات اسلامی)

25-قاعده اضطرار

متن : كل محرم اضطر ، اليه فهو حلال.

یعنی : در حال اضطرار ، هر حرامی حلال می شود (. ماده 55 قانون مجازات اسلامی)

21-كل من لم يباشر بالقتل لم يقتص منه

یعنی : هر فردی که مباشر قتل نباشد قصاص نمی شود (. تبصره ۱ ماده 213 و ماده 201 قانون مجازات

اسلامی)

دفتر امور حقوقی دانشگاه

21-لا ديه لمن قتله الحد

یعنی : دیه به کسی که بر اثر اجرای حد کشته شده باشد ، تعلق نمی گیرد (. ملاک ماده 662 قانون مجازات اسلامی)

22-لا ربا الا فيما يكال او يزون

یعنی : ربا جز در اموال مکیل و موزون جاری نیست (. ماده 535 قانون مجازات اسلامی)

قواعد اصولی و مشترک

23-قاعده اذن.

متن : الاذن فی الشیئی اذن فی لوازمه.

یعنی : اذن دادن در چیزی ، اذن در لوازم آن نیز هست.

((القواعد و الفوائد ، ج 2 ، ص 10 ، قاعده 11۱

30-قاعده اشتراک

متن : همه مسلمانان در همه عصرها و زمانها نسبت به تکلیف شرعیه یکسانند.

3-۱ قاعده تساقط

متن : اگر دو دلیل با هم معارض بودند هر دو از درجه اعتبار ساقطند.

32- (و ان الظن لا یغنی عن الحق شیئا (سوره نجم 22 /

یعنی : وگمان ، هیچ گاهچیزی از حق را بر ما روشن نمی سازد.

36-الولد یلحق باشراف الوالدین

یعنی : فرزند به والد شریف تر (مسلمان) تعلق می گیرد (. از حیث مسلمان بودن)

34-عدل و انصاف

متن : اگر در تعلق مالی به یکی از دو نفر مردد باشیم بین آن دو بالمناصفه تقسیم می گردد

35-فحوا

رعایت مفهوم موافق در جمله یا دستور و سرایت دادن حکم از فرد ضعیف به فرد قوی.

مثل آیه (لا تقل لهما اف) که به طریق اولی ، ضربو شتم والدین را هم نهی می کند.

دفتر امور حقوقی دانشگاه

31-مقدمه واجب ، واجب است ولی مقدمه حرام ، حرام نیست مگر موصل به حرام باشد.

31-قاعده تلازم

متن: كلما حكم به العقل حكم به الشرع و كما حكم به الشرع حكم به العقل
یعنی: بر هر چه که عقل حکم کند ، و بر هر چه که شرع حکم می کند ، عقل هم حکم می نماید.

32-الممنوع شرعاً كالممتنع عقلاً

(یعنی: چیزی که شرعاً ممنوع است گویا عقلاً هم قابل انجام نیست (تحریر الجملة ، ص 64

33-اجتهاد در مقابل نص جایز نیست (تحریر الجملة ، ج ۱، ص ۲ - اصل ۱ 11قانون اساسی)

۱- 100المیسور لا یسقط بالمعسور

(یعنی: کار قابل انجام دادن به واسطه حدوث کار غیر ممکن ، از گردن ساقط نمی شود (القواعد الفقهیه ج 4 ، ص ۱۲۱

۱۰۱ - اعمال الكلام أولى من اهماله

برای کلام و عبارت به کار رفته ، معنی و مفهوم قایل شدن ، بهتر از بیهوده پنداشتن آن است.

۱ - 102لاصل دلیل حیث لا دلیل

اصل در جایی قابل استناد است که دلیل قانونی موجود نباشد.

(عوائد الایام ، ص - 16 مواد ۱ 31 و ۱ 32قانون آیین دادرسی مدنی)

۱ - 106المطلق ینصرف الی فرد شائع

معنی و مفهوم موضوع مطلق ، به فرد شایع و رایج آن منصرف است.

۱ - 104قبح تأخر بیان در وقت حاجت

بیان نکردن مراد و مقصود در موقع نیاز بدان ناپسند است ، ولی سکوت در وقت بیان خود نوعی بیان است.

۱ - 105ما من عام الاو قد خص

هیچ عامی نیست که تخصیص نخورده باشد.

۱ - 101وصف به موصوف نزدیک تر بر می گردد.

اگر چند موصوف با یک وصف بیان شده باشند آن وصف ، متعلق به موصوف آخر خواهد بود.

۱ - 101مورد ، مخصص نیست.

اگر چیزی برای مورد خاصی ذکر شده باشد ، دلیل بر آن نیست که فقط به آن مورد خاص اعلق دارد.

دفتر امور حقوقی دانشگاه

02۱

-الاجتهاد لا ینقض بمثله

(اجتهاد را اجتهاد دیگر نقض نمی کند (الاشباه و النظائر ، ص 4 ۱ - تحریر الجملة ، ج ۱ ، ص 22

۱ - 103إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال

(اگر احتمال به جایی وارد شود استدلال فایده ای ندارد (دکتر محمدی ، قواعد فقه ، ص

۱۱۱

۱۱ - 10إذا زال المانع عادالممنوع

461- (اگر مانع بر طرف شود موضوع منع شده به جای خود بر می گردد) . دانشنامه حقوقی ،
ج 4 ، صص__462